

مدیریت اقامه نماز

معاونت آموزش و کارآفرینی جهاددانشگاهی استان زنجان



دوره های ضمن خدمت کارکنان بهزیستی

بسمه تعالی

****امام صادق (ع) میفرماید:**

ای فرزندم! هر کس نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما دست نخواهد یافت.

مقدمه

در میان آفریده ها، انسان تنها موجودی است که وجودش قابلیت های حیرت انگیزی دارد که شاید پس از گذشت میلیاردها سال از حیاتش، هنوز اسرار وجود او و توانایی هایش ناشناخته مانده است.

بی شک، این قابلیت ها مربوط به جسم و جنبه مادی او نیست؛ زیرا آنچه سبب شده است که انسان بتواند برتری طلبی خویش را بر این جهان مادی و کره خاکی تحمیل کند و طبیعت را مسخر خویش سازد، جنبه واقعی او؛ یعنی قدرت روح و فکر و تعقل اوست.

با توجه به پیچیدگی و اسرارآمیز بودن روح انسان، شاید بتوان ادعا کرد آنچه باعث شده است که کهانسان خود را حاکم طبیعت و آگاه از اسرار آن نشان دهد، اشباع همین جنبه روحی اوست. حتی انسان فراتر از طبیعت، برای شناخت ذات خود (انسان) نیز کوشیده است تا پس از درک اسرار وجودی خویش زندگی مطلوب را برای دیگران به تصویر کشد.

همچنین بیشتر آموزه های ادیان و آیین ها، به تناسب دیدگاه آنان درباره انسان است. گروهی تنها ظاهر و جسم انسان را دیده اند و در حقیقت انسان را حیوانی پیشرفته تر از دیگر حیوانات

می دانند. گروهی نیز دیدی ژرف تر به انسان داشته و دیدگاه های عمیق تری درباره او ارائه کرده اند.

نظریه پردازان انسان شناسی به طور کلی در دو دسته قرار دارند: گروهی که جهان و انسان را در حد امور ظاهری می بینند که مکتب های مادی نماد این طرز تفکرند. گروه دیگری که ظاهر این جهان را به منزله جسم آن می پندارند و باطن و ماورای این جسم را بسی مهم تر و واقعی تر می دانند. آنان انسان را نیز در دو مرتبه جسم و جان می بینند و در تأمین این دو جنبه دستورهایی به انسان ارائه می دهند. این دسته دو گروهند: گروهی که معتقدند این جهان مخلوق خالقی آگاه و مدبر است و گروهی که در عین داشتن دید عمیق به انسان، چنین اعتقادی ندارند.

گروه اول، جهان هستی را مانند هر می می بینند که در رأس آن «اللّٰه» قرار دارد. در این دیدگاه، «اللّٰه»، مرتبه کامل و بی نقص هستی است و همان ویژگی هایی را دارد که انسان در عرصه حیات خویش برای رسیدن به آن تلاش کرده است، هر چند ممکن است به راهی رفته باشد که تناسبی با آن مرتبه نداشته باشد. برای مثال، انسان در طول تاریخ همواره کوشیده است تا قدرت برتر و مطلق جهان باشد، در حالی که «اللّٰه» تنها کسی است که این ویژگی را دارد و انسان به طور فطری جویای آن است. همچنین او می خواهد به علم بی حد و قدرت نامحدود و حیات ابدی و استقلال کامل برسد و کمبودهای خود را جبران کند و از هر نظر، کامل و بی نیاز باشد. برای اشباع این ویژگی انسان، به تناسب انسان شناسی هر مکتبی، راه ها و آموزه هایی به انسان ارائه شده است. مهم ترین و موفق ترین دیدگاه ها از آن کسانی است که جهان و انسان را واقعی تر دریافته باشند و در این میان، ادیان الهی جامع ترین دیدگاه ها را ارائه کرده اند؛ زیرا ادیان الهی، آموزه های خویش را از منبع ذات الهی دریافت می کنند.

از این رو، میان اندیشه و نگرش آنان نسبت به انسان و جهان فرقی نیست. در میان ادیان الهی، دین اسلام، کامل ترین و دقیق ترین آموزه ها را بیان کرده است.

در دیدگاه الهی، خداوند قدرت تصرف و حاکمیت برهستی را دارد و فقط او می تواند انسان را به جایگاه و خواسته های واقعی اش هدایت کند. در این دیدگاه، خداوند برای رساندن پیام خویش، واسطه هایی از میان مردم برمی گزیند تا پیام او را به انسان ها برسانند. مهم ترین و اصلی ترین پیام انبیای الهی، عبادت خداوند و روی آوردن به درگاه خالق و به جا آوردن حق پروردگاری و سپاس گزاری از نعمت های اوست. راه عبودیت، گذرگاهی است که نهایت آن، دست یافتن به کمال دلخواه انسان است. از نظر ادیان الهی، راز این گرایش، در راز آفرینش انسان نهفته است؛ یعنی روح انسان جلوه ای از خالق خویش است که در این جهان مادی، گویی در زندان است. از این رو، آگاهانه یا ناآگاهانه و به اقتضای آفرینش و فطرت خویش، اصل خویش را می جوید. البته شرط پیمودن این راه و تحقق مقام بندگی، اطاعت از امر و نهی های الهی است که ذکر مدام را برای او تداعی می کند.

ذکر حق دو گونه است: اول اینکه انسان همواره به یاد او باشد و دیگر اینکه در زمان ها یا در مکان های مشخصی به ذکر پردازد و دیگر هیچ گونه عملی را انجام ندهد. این ذکر خاص و مشخص در زبان دین، صلاه (نماز) نام دارد که در تمام ادیان الهی به بشر آموزش داده شده است.

نکته مهم اینکه بر اساس آموزه های انسان شناسی الهی، هر اندازه انسان به ذکر حق مأنوس تر باشد و او را بیشتر یاد کند، در زندگی خویش موفق تر است. چنانچه فردی از ذکر حق روی بتابد، زندگی اش بی هدف، بی ثبات، مشوش و ناآرام خواهد شد، احساس پوچی می کند و در بسیاری موارد، برای رهایی از درد و رنج ها و سرگردانی ها به حیات خویش پایان می دهد.

انسان، خداجو و کمال گراست؛ زیرا فطرتی الهی دارد: «فَطَرَتَ اللّٰهَ الّٰتِیَ فَطَرَ النَّاسَ عَلٰی هَا؛ فطرت خداوندی که مردم را بر آن آفرید.» (روم: ۳۰)

در حقیقت، انسان در صورت دسترسی به کمال، شباهت بسیاری به خالق خویش پیدا می کند و تنها فرق او با خالق در آن است که او خالق است و این مخلوق: «لَا فَرْقَ بَیْنَكَ وَبَیْنَ هَا اِلَّا اَنْهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ؛ فرقی میان تو و آنها نیست، مگر اینکه آنان بنده تو و مخلوق تو هستند.» و تنها راهی که انسان را به این مرتبه می رساند، عبودیت است:

اَلْعُبُوْدِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنَّهَا الرَّبُّوْبِيَّةُ فَاَمَّا فُقْدَانُ الْعُبُوْدِيَّةِ وَجِدْفِ الرَّبُّوْبِيَّةِ وَ مَا خُفِيَ مِنَ الرَّبُّوْبِيَّةِ اَصِيْبَ فِی الْعُبُوْدِيَّةِ.

بندگی، گوهری است که باطن آن ربوبیت است. پس هر چه در بندگی از دست برود، در ربوبیت یافته می شود و هر چه در ربوبیت پوشیده باشد، در عبودیت به آن می رسد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

چون از تصرفات خود گذشت و مملکت وجود خود را یک سره تسلیم حق کرد و خانه را به صاحب خانه واگذار نمود و فانی در عزربوبی شد، صاحب خانه، خود، متصرف در امور گردد. پس تصرفات او تصرف الهی گردد، چشم او الهی شود و با چشم حق بنگرد و گوش او الهی شود و به گوش حق بشنود.

اوج ظهور کنه و حقیقت عبودیت در نمازهای مستحبی است و در این حالت، قرب بنده به خالق خویش به حدی است که خالق، چشم و گوش و دست و زبان مخلوق مقرب خویش می گردد.

در این صورت هر فعل مخلوق، فعلی الهی می شود:

أَنَّهُ لِيَتَّقِبُ إِلَى النَّافِلَةِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحَبَّهُ كُنْتُ سَمِعَهُ أَلَّا ذِي يَسْمَعُ بِهِ وَيَبْصُرُهُ
أَلَّا ذِي يَبْصُرُ بِهِ وَلِسَانَهُ أَلَّا ذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ أَلَّا ذِي يَيْطِشُ بِهِ هَٰذَا عَانِي
أَحْبَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَ نِي أَعْطَيْتُهُ.

به راستی که بنده به وسیله نافله، آن قدر به من نزدیک می شود تا اینکه او را دوست داشته باشم.

پس هنگامی که او را دوست داشتم، گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن صحبت می کند و دست او می شوم که با آن بگیرد.

اگر مرا بخواند، اجابتش می کنم و اگر از من درخواست کند، عطایش می دهم.

عبادت کننده ای که می خواهد به سوی قله کمال سیر کند، باید به بزرگی ربوبیت حق و خواری عبودیت خویش توجه کامل داشته و با تمام وجود به این مطلب رسیده باشد. امام خمینی رحمه الله در این باره چنین می فرماید:

... و آن یکی از منازل مهمه سالک است که قوَّت سلوک هر کس به مقدار قوت این نظر است، بلکه کمال و نقص انسانی ت تابع کمال و نقص این امر است و هر چه نظرانی ت و انانی ت و خودبینی و خودخواهی در انسان غالب باشد، از کمال انسانی ت دور و از مقام قرب ربوبیت مهجور است....

۱. مفهوم سعادت

سعادت انسان به تناسب افراد، مفهوم متفاوتی پیدا می کند. اگر سعادت را «نجات از عذاب و ورود به بهشت» بدانیم، مفهوم واحد و مشترکی بین افراد مختلف است، ولی اگر آن را به معنای خوشبختی بدانیم، معانی متفاوتی برای افراد مختلف دارد؛ زیرا خوشبختی، برای عامی و عالم و عارف و دیگران تعریف های مختلف دارد.

اگر سعادت و خوشبختی به نجات از دوزخ است، پس افراد مستضعف و دیوانه خوشبخت خواهند بود؛ زیرا خداوند هر کس را به قدر وسع خویش محاسبه می کند و وسع این گونه افراد نیز بسیار ناچیز است. بنابراین، حسابی مختصر همراه با تخفیف خواهند داشت. همچنین مفهوم سعادت در نزد گروهی، به اندازه وسع فهم آنان از خوشبختی است. آنان، تنها به نجات از عذاب دوزخ قانع هستند، عبادت این گروه هم در حد فهم خویش است. برخی نیز عبادت را راه رسیدن به مقصود می دانند و در آخرین درجه معرفت، سعادت، نه نجات از دوزخ و ورود بهشت است، بلکه رسیدن به حق و فنای در او است. برای این گروه، بالاتر از عذاب دوزخ، عذاب فراق است و بالاتر از بهشت، بهشت وصال:

الهی ان صبرتُ عَ لی عذابِ ک فکیفَ اصبرُ علی فراقِ ک.

پروردگارا، اگر بر عذابت صبر کنم، چگونه بر فراق تو صبر کنم.

در سخنان عرفا و اولیای حق، حور و قصور، نه هدف است و نه بیانگر سعادت، بلکه بهشت بیدوست، خود، دوزخ است. بنابراین در تبلیغ نماز، نخست فهم درست از سعادت و سپس گسترش آن در میان مردم لازم است تا به این وسیله نیت ها، عبادت ها و اعمال عبادت کنندگان در مسیر صحیح قرار گیرد.

۲. مفهوم حیات

حیات به معنای زندگی است؛ در زبان قرآن و فرهنگ آن تمام اشیا دارای نوعی حیات هستند و این نوع حیات، بین تمام مخلوقات مشترک است. در این زندگی و برخورداری از لوازم آن، انسان موجودی ضعیف است: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا أ.» (نساء: ۲۸) این نوع حیات و گرایش های آن نیازی به پیامبر و کتاب و شریعت ندارد، بلکه قوانین تکوینی موجود برای پیشبرد آن کافی است.

با توجه به آیات قرآن، درمی یابیم که مفهوم زندگی (حیات) در انسان حالت بالقوه دارد و امری روحانی به شمار می رود و هر کسی از آن برخوردار نیست. در آیه ای از قرآن، خداوند، مردم مؤمن را به زنده شدن و حیات یافتن فرامی خواند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۚ (انفال: ۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسول را اجابت کنید، هنگامی که شما را دعوت کردند تا شما را زنده کنند.

می توان گفت که اصلاح و تبیین معنای واقعی حیات، نوعی معرفت اصیل و هدایت به سمتعبادت واقعی است که مفهوم سعادت واقعی را روشن تر می کند. در غیر این صورت، اگر حیات ما شبیه حیات دیگر موجودات باشد، بنا بر نص قرآن، این امر برای انسان یک خسارت و گمراهی به شمار می رود و مرتبه آدمی از حیوانات پست تر خواهد بود.

۳. درک معنای درست نماز

مفهوم نماز در اذهان بیشتر مردم، حتی مؤمنان به اصلاح نیاز دارد. برای مثال، از حدیث «قُرْهَ عَى نَى فَى الصَّلَاةِ؛ روشنی چشم من در نماز است»، شاید مفهوم لذت و خوشحالی پیامبر را از نماز استنباط کنیم یا از حدیث «نماز معراج مؤمن است»، مفهوم درستی در ذهن نداریم؛ زیرا حقیقت معراج را به روشنی در نیافته ایم. از سوی دیگر، در کتاب های مربوط به نماز و در موعظه ها، تنها به ظواهر فقهی نماز اکتفا شده و اسرار و شگفتی های مربوط به تأثیر آن تحقیق و بررسی نشده است.

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

نشانه (حق گذاری) دیگر، مطرح شدن نماز در عرصه مطالعات و تحقیقات علمی است. همان طور که بحث فقهی درباره نماز و مقدمات آن، طولانی ترین مباحث فقهی در حوزه های علمیه را تشکیل می دهد، بحث کلامی و عرفانی و اجتماعی نماز باید سلسله مهمی از مباحث دینی مطرح در سطح جامعه را پدید آورد. آگاهان دینی و محققان و نویسندگان در این باره مقالات و تحقیقات و کتاب هایی فراهم آورند و بحث نماز به طور مکرر در همه جایگاه های تبلیغ دین بازبان ها و شیوه ها از زاویه های گوناگون مطرح گردد.

۴. تعریف عبادت

عبادت را اهل لغت به معنای نهایت خضوع و کرنش دانسته اند و گفته اند چون عبادت، والاترین مرتبه خضوع است، پس تنها شایسته کسی است که والاترین مرتبه وجود و کمال و بزرگ ترین درجه نعمت ها و احسان را دارد و از این جهت، عبادت غیر حق، شرک است. شاید عبادت که در فارسی به معنای پرستش و بندگی است، در حقیقت، بیش از این معنا باشد که گفته اند و آن عبارت است از خضوع برای خالق و خداوند.

«احتراماتی که صاحبان مذاهب از بزرگان مذهب خود می کنند، با اعتقاد به آنکه آنها بندگانی هستند که در همه چیز محتاج به حق تعالی هستند _ در اصل وجود و کمال آن _ و عباد صالحی هستند که با آنکه مالک نفع و ضرر و موت و حیات خود نیستند، به واسطه عبودیت، مقرب درگاه و مورد عنایت حق تعالی و وسیله عطیّات اویند.

۵. آداب و اسرار نماز

اجتماع و زندگی اجتماعی انسان اقتضای خلقت و طبع مدنی و اجتماعی اوست؛ به گونه ای که نه نوع انسان قادر به زندگی غیر اجتماعی و بریده از دیگران است و نه شرع و دستورهای الهی به او اجازه چنین عملی می دهد. ساده ترین شکل اجتماع، هم نشینی است که در آموزه های اسلاممیدان توجه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ وَالْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ.

تنهایی بهتر از هم نشین بد است و هم نشین نیکوکار بهتر از تنهایی است.

مسئله مهم در زندگی اجتماعی و ارتباط با دیگران، مسئله رعایت آداب و رسوم است؛ یعنی رعایت مسائلی که انجام یا ترک آن ضروری است و نشان عقل و شخصیت انسان به شمار می رود. به حکم عقل، رعایت آداب در ارتباط با دیگران به تناسب میزان اعتبار و جایگاه طرف مقابل، بسیار ضروری است و این مسئله در زندگی روزانه قابل درک است. برای مثال، در دیداریک پادشاه و یا یک مسئول بلندپایه، از لحاظ ظاهری و رفتاری، ادب لازم را رعایت می کنیم. در شرع مقدس و احادیث، دو گونه ادب به نمازگزاران توصیه شده است که رعایت آنها به رشد و کمال انسانی و تأثیرگذار بودن نماز خواهد انجامید و رعایت نکردن آن محرومیت از لطف الهی را به همراه خواهد داشت.

«بدان که از برای نماز غیر از این صورت، معنایی است و غیر از این ظاهر، باطنی است و چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات نمودن آنها موجب بطلان نماز صوری یا نقصان آن گردد، همین طور از برای باطن آدابی است قلبیه باطنیه که با مراعات نمودن آنها نماز معنوی را بطلان یا نقصان دست دهد، چنانچه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی شود».

آداب نماز دو گونه است: آداب ظاهری و آداب باطنی. نماز هم مثل انسان دارای ظاهر و باطن است و انسانیت انسان بر اساس نماز و نماز انسان بر اساس انسانیت او محقق می گردد. امام خمینیرحمه الله درباره رابطه نماز با انسانیت انسان می فرماید:

بالجمله از برای نماز مقامات و مراتبی است که در هر مرتبه ای که مصلی است، نمازش با مرتبه دیگر بسیار فرق دارد، چنانچه مقامش با مقامات دیگر خیلی فرق دارد. پس مادامی که انسان، صورت انسان و انسان صوری است نماز او نیز نماز صوری است و فایده آن نماز، فقط صحت و اجزای صوری فقهی است... و اگر از مرتبه ظاهر به باطن و از صورت به معنی پی برد تا هر مرتبه ای که محقق شود نماز او نیز حقیقت پیدا می کند....

پس مادامی که نماز انسان صورت نماز است و به مرتبه باطن و سر آن نرسیده، انسان متحقق نشده، انسان نیز صورت انسان است و به حقیقت آن محقق نگردیده، پس میزان در کمال انسانیت و حقیقت آن عروج به معراج حقیقی و صعود به اوج کمال و وصول به باب اللّ ه با مرقات نماز است.

در این قسمت، مختصری از آداب عبادت و نماز از زبان امامان معصوم علیهم السلام و نیز اهل نماز حقیقی، به ویژه امام خمینی رحمه الله بیان می شود:

توجه به عزربوبی ت و ذلّ عبودیت است. پس سالک الی اللّ ه را ضرور است که به مقام ذلّ خود پی برد و نصب العین او ذلّ ت عبودی ت و عزت ربوبی ت باشد.

بنابراین، نماز گزار باید به هنگام عبادت، ناچیزی و ضعیف بودن خود را در مقابل عظمت بی انتهای خالق خویش به یاد آورد تا از حجاب خودبینی بیرون آید. «تا انسان را نظر به خویشتن و کمال و جمال متوهم خود است، از جمال مطلق و کمال صرف، محجوب و مهجور است و اول شرط سلوک الی اللّ ه خروج از این منزل است، بلکه میزان در ریاضت حق و باطل همین است». حاصل این ادب در نماز، خشوع است: «یکی از اموری که برای سالک در جمیع عبادت خصوصاً نماز که سرآمد همه عبادات است و مقام جامعیت دارد لازم است، خشوع است و حقیقت آن عبارت است از خضوع تامّ ممزوج با حبّ یا خوف. اگر قلب از قلوب شوقی باشد، خضوع در عین حبّ اوست و ناشی از هیبت و عظمت و سطوت جمال حق است و اگر قلب خوفی باشد، خضوع او ناشی از ادراک عظمت و کبریا و جلال حق است».

بی شک، سخن گفتن در مورد فایده ها و آثار واقعی نماز بر روح و باطن انسان، جز برای کسانی که حقیقت و معنای نماز را دریافته اند و از برکات آن بهره مند شده اند، کاری بس مشکل است. آنچه برای غیر این گروه قابل تشخیص است، پی آمدهای نمازگزاری است؛ یعنی آثاری که برای عموم نمازگزاران معتقد به نماز رخ می دهد. روح و جان نمازگزار هنگام نماز، در پرتو انوار و اسرار آن به اصل خویش متصل می گردد و چنان غرق انوار جمال و جلال معبود و معشوق می شود که کون و مکان و هر دو جهان را فراموش می کند. چنان که سرور نمازگزاران، حضرت علی علیه السلام به هنگام نماز حتی متوجه بیرون کشیدن تیر از بدن خویش نمی شود؛ تیری که دردش در غیر نماز تحمل ناپذیر بود. این اثر نماز همان کمال الانقطاع است که در مناجات شعبانیه، همه امامان، آن را درخواست کرده اند:

وَإِنِّي أَبْصَارُ قُلُوبٍ نَابِضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ
إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحٌ نَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ.

و چشمان قلب ما را به روشنی نظر کردن به سوی تو روشن گردان تا آنجا که چشمان قلبهایمان حجاب های نور را پاره کند و به معدن عظمت برسد (و متصل گردد) و روح های ما به عِزِّ قُدْسِ تو آویخته گردد.

نظر انداختن به دوست و کنار زدن حجاب های نور و رسیدن به منبع نور فقط در نماز و نیایش رخ می دهد و فقط نماز گزار معنی آن را می داند و بس.

حافظ می گوید:

در نمازم خم ابروی تو اَم یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد

آمد

بی شک، گستره تأثیر نماز، تمام زندگی، ظاهر و باطن و دنیا و آخرت است؛ زیرا دنیا و آخرت تمام عرصه حیات انسان است. از این رو، نماز را در دو دسته آثار دنیوی و آثار اخروی برمی شماریم:

۱. آثار دنیوی نماز

آثار دنیوی نماز، شامل آثار تربیتی، اجتماعی، جسمانی و فیزیکی است که هر کدام به تفصیل بررسی می شود:

الف) آثار تربیتی نماز

مهم ترین و اصلی ترین اثر نماز که هدف از تشریح نماز است، اثر تربیتی آن است و آثار دیگر آن به تبع و دنباله این خاصیت است. با تربیت صحیح، رفتارهای اجتماعی و نظم اجتماع و سلامت آن، در مسیر سالم و تکامل قرار می گیرد.

هدف اصلی آموزه های دین در درجه اول، تربیت، تزکیه و ادب آموزی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از تربیت دیگران، خود تربیت یافته پروردگار بود: «أَدَّبَ نَبِيَّ

رَبِّ يَ فَأَحْسَنَ تَأْ دِيي؛ پروردگارم مرا ادب) تربیت) کرده، پس نیکو تربیتم کرده است».

برخلاف زندگی حیوانی (در انسان و حیوان) که مراحل رشد آن به اقتضای حکم غریزی صورت می گیرد، حیات واقعی انسانی حالت بالقوه دارد. از این رو، انبیای الهی همواره انسان را از خطر گرایش مطلق به زندگی حیوانی باز داشته اند تا استعدادهای بالقوه خود را در رسیدن به کمالات شکوفا سازد.

یکی از برنامه های تربیتی انبیای الهی نماز است. تمام ادیان الهی و انبیا، به دلیل آثاری که نماز بر روح و زندگی فرد می گذارد، عامل و آمر به نماز بوده اند. مهم ترین آثار نماز عبارت است از:

یک _ محوریت در عمل انسان

اعمال انسان تابع کیفیت نماز اوست؛ هرچه نماز صحیح تر انجام گیرد، عمل انسان سالم تر است و هرچه نماز صوری و ظاهری باشد، عمل او هم متزلزل و بی ریشه خواهد بود. همان گونه که امام خمینی رحمه الله نیز بر این باور است که نماز و انسانیت رابطه متقابل دارند و سعادت و شقاوت هر کس به عمل اوست که تابع نماز اوست.

دو_ اثر بازدارندگی از فحشا و منکر

در قرآن کریم، به این امر به طور صریح اشاره شده است: «انَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز) انسان) را از فحشا و منکر باز می دارد». (عنکبوت: ۴۵)

البته در قرآن به موارد دیگری آمده‌های نماز اشاره شده است. برای مثال، هنگامی که رذایل اخلاقی یا نقایص روحی انسان نکوهش می‌شوند، اهل نماز مستثنا می‌شوند:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ. (معارج: ۱۹ - ۲۳)

به راستی که انسان حریص آفریده شده است، هنگامی که او را شری در رسد، جزع و بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خیری به او رسد منع می‌کند (بخیل می‌شود) مگر نمازگزاران (که این گونه نیستند).

سه - ایجاد آرامش روحی و اطمینان

این خاصیت و اثر نماز را می‌توان به سادگی در چهره و قوت روحی اهل نماز مشاهده کرد؛ زیرا آنان به تناسب بهره‌مندی از آثار نماز معمولاً در سختی‌ها و گرفتاری‌ها چهره‌ای مطمئن و آرام دارند و هیچ‌گاه در زندگی خویش احساس پوچی و اضطراب ندارند؛ زیرا در سایه ارتباط با مبدأ عالم همواره از او استمداد جسته و در امور زندگی بر او توکل می‌کنند. هر نمازگزار در نمازهای روزانه خویش، ده بار جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را بر زبان می‌آورد و جان خود را با آن مانوس می‌کند.

قرآن کریم به پیامبر خویش می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ نماز را به خاطر ذکر و یاد من (بهپای دار). (طه: ۱۴) و در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ هان، آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرام می‌گیرد». (رعد: ۲۸)

چهار_ مصونیت از رذایل اخلاقی (کبر)

با توجه به احادیث و روایات بسیار و قرار گرفتن کبر در میان دیگر گناهان کبیره، می توان به نقش نماز در مصون کردن انسان از خطر کبر پی برد.

از حکیمی رسیده است که از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه الحاد و برگشت از حق پرسیدم. پس فرمود: پایین ترین درجه کبر (الحاد) است.

کبر از بزرگ ترین گناهان کبیره است که باعث سقوط انسان از مرتبه قرب الهی می گردد. بیشتر گناهان کبیره به نوعی موجب عقوبت و حتی دخول در آتش می گردند و انسان را بدهکار خدا یا خلق می گردانند، ولی صفت کبر نوعی تنازع با صفت ذاتی حق تعالی است. امام صادق علیه السلام فرمود: ...

... وَالْكَبْرِ رَدَاءُ اللَّهِ هِ فَمَنْ نَازَعَ اللَّهَ هِ عَزَّوَجَلَّ رَدَاءَهُ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ هِ إِلَّا سَفَالًا ؛

... کبر ردای خداوند است، هر کس بر سر آن با خدا به منازعه و مقابله برخیزد، خداوند جز پستی و خواری چیزی بر او نیفزاید.

شیطان با همه تقربى که در درگاه الهی داشت، در اثر یک تکبر از درگاه الهی رانده شد و دچار لعنت ابدی گردید:

قَالَ أَنْ أَخَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَ نِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ قَالَ فَأَخْرَجَ مِنْ هَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَةً تَتَى لِي يَوْمَ الدِّينِ.

شیطان گفت: من از او بهتر (برتر) هستم، مرا از آتش آفریدی و او را از خاک، (خدا به او) گفت: از آن (صف فرشتگان) بیرون شو که تو رانده شده ای و لعنت من تا روز قیامت بر توست.

نماز حقیقی، روح منی^ت را از نماز گزار می زداید و او را به فقر ذاتی خویش توجه می دهد. نماز گزار، خود و اعمالش را ناچیز می بیند و در قول و فعل خویش هیچ گاه دچار کبر نمی شود و نوع مخلوق را با دیده استقلال و غنا نمی نگرد.

در روایات شیعه، فلسفه و جوب و تشریح نماز از سوی خداوند، دوری از کبر بیان شده است؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ.

خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را برای دوری از کبر واجب ساخت.

پنج - پرورش روحی در سایه ارتباط با خالق هستی

خداوند می فرماید: «أَنْ أَجْلِسُ مَنْ ذَكَرَ نِي؛ مَنْ هُمْ نَشِينِ كَسِي هَسْتَم كِه مَرَا يَاد كَنْد.» یکی دیگر از آثار فردی نماز، پرورش و ایجاد قوت روحی است که در اثر ارتباط مداوم و مکرر با سرچشمه هستی ظاهر می شود. قرآن می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِ رِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً؛ وَهَر كَسِ از ذِكْر و يَاد مَن رُوي بَتَابِد، پَس زَنْدَگِي سَخْتِي خَوَاهِد دَاشْت.» (طه:

همچنین خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا؛ وَهَرَكَسِ الشَّيْطَانُ قَرِينًا أَوْ يَأْتِيهِمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ أَوْ يُخَوِّفُهُمْ أَوْ يَنْصُرُهُمْ أَوْ يَنْصُرُهُمْ» (نساء: ۳۸)

دوری از ذکر حق، انسان را دچار بی هدفی و پوچی می کند؛ زیرا روح انسان به دلیل بُعد ملکوتی اش همیشه جویای اصل خویش است:

هر کسی کو دور ماند از اصل

خویش باز جوید روزگار وصل

خویش

هم نشین انسان بریده از ذکر حق، شیطان و هم نشین انسان نمازگزار، حق تعالی است. هم نشینی با خدا خواسته فطری هر انسانی است و تنها کسانی آرامش دارند که مطلوب درون خویش را بیابند و او جز خالق هستی نیست.

در سایه آرامش و اطمینان روحی حاصل از نماز، انسان دارای روحی پرورش یافته و باثبات می شود. اهل نماز همیشه از خالق خویش درخواست می کنند که از راه و رسوم گمراهان و غضب شدگان در امان باشند:

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.

(حمد: ۵)

شخص نمازگزار در سختی‌ها و راحتی‌ها یک حال ثابت دارد و همه چیز را از ناحیه خالق خود و بر اساس حکمت و خیرخواهی او می‌بیند و به علم و عدالت او ایمان دارد.

قرآن به نمونه‌هایی از ثبات روحی نمازگزاران اشاره می‌کند:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۖ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۖ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۗ إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَٰلَمٌ لِّى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ. (معارج: ۱۹-۲۳)

انسان حریص آفریده شده است، هنگامی که به او شر رسد، جزع و بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خیر به او برسد منع می‌کند (بخیل می‌شود)، مگر نمازگزاران (که چنین نیستند) و همیشه در سختی و فراخی حالی ثابت دارند.

همچنین خداوند یکی از ویژگی‌های اهل ایمان را این گونه توصیف می‌کند:

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ۗ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ ۗ (بقره: ۱۵۵ و ۱۵۶)

آن کسانی که چون مصیبتی بر آنها وارد شود، گویند: ما از خدا هستیم و به سوی او می‌رویم، بر آنان صلوات و رحمت‌هایی از پروردگارشان خواهد بود.

ب) آثار اجتماعی نماز

اجتماع، مجموعه ای از افراد است که صلاح و فساد آن بستگی به صلاح و فساد افراد آن جامعه دارد. افراد نمازگزار به دلیل اعتقاد و احساس حضور در محضر حق، کمتر از دیگران در معرض انحراف قرار دارند. بنابراین، اجتماعی که مجموعه ای از افراد نمازگزار باشد، می تواند سالم ترین محیط اجتماعی را از هر حیث داشته باشد؛ حتی در صورت وجود برخی انحرافات، این جامعه از حیث نوع انحراف و جرم با جوامع دیگر فرق دارد.

تأثیر روح نهی از فحشا و منکر نماز بر شخص نمازگزار، خود به خود نمود عینی خود را در اجتماع بروز می دهد؛ به گونه ای که افراد منحرف، تحت تأثیر این فضا دچار محدودیت شدیدی در انجام منکرات می شوند و این مهم ترین اثر اجتماعی نماز است.

ویژگی دیگر نماز برای اجتماع، کنترل درونی نمازگزار است. نمازگزار حقوق دیگران را محترم می شمارد، به قوانین احترام می گذارد؛ در نتیجه در جامعه امنیت و نظم اجتماعی برقرار می شود و تعداد ناهنجاری ها و جرایم و نوع جرم ها بسیار کم و ناچیز می شود. البته اگر در چنین اجتماعی انحرافات رخ می دهد، اغلب از ناحیه افراد بی نماز آن جامعه خواهد بود. مراجعه و تفحص از وضعیت مجرمان و زندانیان حقیقت این امر را روشن می کند.

ج) آثار جسمی نماز

نماز از لحاظ صورت ظاهری و نوع اعمال و حرکات و اسرار باطنی که اساس نماز بر آن استوار است، برای هدف اصلی آن یعنی نهی از فحشا و منکر و قرب الهی تشریح شده است.

به دیگر سخن، هدف اصلی از مجموع نماز (ظاهر و باطن) هدف معنوی است، ولی چون همه افعال و اقوال پروردگار حکیم عالم، بر اساس علم و مصلحت است و هیچ کار او عبث نیست، همین ظاهر نماز هم دارای خواص و آثاری است که دنیای پزشکی کنونی حاصل عمیق ترین و طولانی ترین تحقیقات خود را در عملی مستحبی یا حرکت بسیار ساده ای در نماز می یابد.

اینکه بیشتر نماز گزاران به تناسب میزان دقت و عمل به احکام مستحبی و واجب خود، دچار بسیاری از بیماری ها نمی شوند، رازی است که در اجزا و حرکات نماز نهفته است و علوم تجربی و تحقیقات دانشمندان تنها تعداد اندکی از این اسرار را فهمیده است. ساده ترین اثر جسمی نماز برای نماز گزار، نظافت و پاکی جسم و لباس اوست که خاستگاه سلامتی جسم است.

۲. آثار اخروی نماز

پی بردن به آثار اخروی نماز، تنها از طریق وحی و اخبار و روایات امامان معصوم علیهم السلام امکان پذیر است؛ از جمله حساب آسان در قیامت، مغفرت و آمرزش گناهان، نجات از آتش غضب الهی، پذیرش اعمال (در صورتی که نماز او حقیقی باشد)، آسانی های هنگام مرگ و عالم قبر....

از نظر عامه مردم، یکی از مهم ترین آثار اخروی نماز، نجات از آتش دوزخ از نظر خواص، نیل رسیدن به قرب الهی بهشت جاودان است. در احادیث، عبادت با توجه به نیت عابدان، به سه نوع تقسیم شده است:

امام صادق علیه السلام فرمود:

[ان] العباد ثلاثة قوم عب دوا الل ه عزوجل خوفاً فتلك عباده العبيد وقوم عب دوا الل ه تبارك و تعالی طلب الثواب، فتلك عباده الأج را، وقوم عب دوا الل ه عزوجل حباً له فتلك عباده الأحرار وهي أف ضلاً لعباده.

عبادت کنندگان سه دسته اند: گروهی که خدای عزوجل را از ترس عبادت کنند، این عبادت بردگان است؛ مردمی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مزدوران است؛ گروهی که خدای عزوجل را برای دوستی اش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

۷. نماز از دیدگاه دانشمندان غربی

در میان دانشمندان غربی، تعداد زیادی افراد معتقد به خدا و اهل ایمان هستند که در مورد عبادت و تأثیر آن نظرهایی داده اند و بیشتر به جنبه های تأثیر روانی نماز توجه کرده اند.

الف) الکسیس کارل در کتاب نیایش در مورد دعا و نماز می گوید:

دعا و نماز کوششی است در آدمی برای رسیدن به خدا و صحبت کردن با موجودی نادیدنی که آفریننده همه چیز و حکمت اعلی است.

دعا و نماز، عملی است که آدمی را در حضور خدا قرار می دهد

وی در مورد تأثیر نیایش می گوید:

نیایش، به آدمی نیروی تحمل غم‌ها و مصائب را می‌بخشد و هنگامی که کلمات منطقی برای امیدواری نمی‌توان یافت، انسان را امیدوار می‌کند و قدرت ایستادگی در برابر حوادث بزرگ را به او می‌دهد.

نیایش علاوه بر اینکه آرامش به وجود می‌آورد، به طور کامل و صحیحی در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شگفتی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلآوری را تحریک می‌کند.

ب) دلیل کارنگی، روان‌شناس معروف می‌گوید:

چرا همه روزه، نیروهای خود را با نماز، حمد و دعا تقویت نمی‌کنیم و تجدید سازمان نمی‌دهیم؟! ... پزشکان روحی دریافته‌اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی و [تشویش] و ترس را که موجب اکثر ناخوشی‌های ماست، برطرف می‌سازد.

ج) مارسل بوازا، اسلام‌شناس معاصر سوئیسی و یکی از مشهورترین پژوهندگان اروپایی می‌گوید:

نماز یادآوری مستمر یگانگی و عظمت خداوند و ابراز اشتیاق برای راه یافتن در مقام قرب الهی است. این تغییر حالت دائمی باعث آن می‌گردد که امور مادی زندگی، آدمی را در خود غرق نکند.

د) نورمن وینست گریسی

دعا و نماز بزرگ ترین نیرویی است که برای مبارزه با دشواری های زندگی روزانه و به دست آوردن آرامش روحی شناخته شده است.

ه) روزه گارودی فیلسوف و دانشمند معروف فرانسوی می گوید:

در نماز، انسان به خود باز می گردد و همه هستی را در وجود خویش احساس می کند و نماز، انسان با ایمان را به ستایش خدا وامی دارد.

و) کنث.و. مورگان، دانشمند امریکایی می گوید:

عبادت روزانه در واقع فریضه ای است که بشر در قبال رحمت بیکران الهی انجام می دهد و با ادای این فریضه از خالق متعال مدد می جوید تا در میدان حیات و صحنه تنازع بقا پیروز گردد.

ز) ویلیام جیمز معتقد است:

اگر نیرویی برای تحمل و پیش آمدها لازم باشد، در اثر دعا و نماز به دست می آید.

ح) دکتر توماس هایس اوپ می گوید:

مهم ترین مطلبی که من در طول چند سال تجربه و آزمایش به دست آورده ام، این است که بهترین وسیله برای درمان بی خوابی نماز است، با این قید که من پزشکم و این سخن را

می گویم که نماز بهترین وسیله ای است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده است که زمینه بی خوابی را برطرف می گرداند. به عبارت دقیق تر، مهم ترین وسیله ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان نماز است.

ط (سیرل برت، روان شناس انگلیسی با تأکید بر نظر ویلیام جیمز می گوید:

ما به واسطه نماز می توانیم وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی یارای رسیدن به آن را نداریم.

۷. پیشنهادها و توصیه های کلی

جهت انتقال معارف نماز به جامعه و افکار مردم و غنی سازی برنامه های صدا و سیما در تقویت فرهنگ نماز، شیوه های مختلفی وجود دارد که پیش از پرداختن به آن نکات بسیار مهمی را درباره محتوا و شیوه کار برنامه هایی که با هدف تقویت ایمان و روحیه معنوی جامعه انجام می گیرد، یادآور می شویم.

۱. توجه برنامه ریزان صدا و سیما به پرهیز از دنیاگرایی: حضرت علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدَوَّانٌ مُتَّفَاوَتَانِ، وَسَيِّلَانِ مُخْتَلِفَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ
الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا... كُلُّ مَا قُرِبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخِرِ

دنیا و آخرت دو دشمن متفاوت از هم و دوراه مختلف اند. پس هر کس دنیا را دوست بدارد، آخرت را دشمنی می کند... هر قدر به یکی نزدیک شود، از دیگری (به همان اندازه) دور می شود.

بنابراین، هر چه با تبلیغ مٌد و کالاهای مصرفی، ذهن مردم به دنیا گرایش پیدا کند، به یقین به همان اندازه، روح زهد و دل نبستن به دنیا و ظواهر آن در وجود آنها از بین می رود.

۲. تذکار و تکرار نکات مثبت: امام علی علیه السلام می فرماید:

«قلیلٌ تَدومُ علیه أَرٌ جی من کثیر مملولٍ منه». از این رو، تکرار یک مطلب مهم و مثبت از بیان صد مطلب غیر ضروری بهتر است.

۳. توجه به آموزه های اسلام در پرورش و تربیت روح انسان: قرآن کریم هیچ گاه با تشویق یک سویه، مردم را به دین و پرهیز از انحراف در دین دعوت نمی کند، بلکه از سیاست انداز و تحذیر هم استفاده می کند.

قرآن به رسول گرامی صلی الله علیه و آله خویش می فرماید:

حتی به رسول گرامی خویش می فرماید: اگر بر ما گفته هایی ببندد، رگ های گردن او را خواهیم برید... این تحذیرها و ترساندن ها، غفلت و خوش خیالی را از ذهن انسان دور می کند. از این رو، صدا و سیما باید در وادار کردن مردم به تفکر (که در برنامه های صدا و سیما

چنینامری مشاهده نمی شود(از طریق یادآوری یاد مرگ و قیامت و تاکید بر گذرا بودن این زندگی، نقش اساسی ایفا کند.

بسیاری از مطالب نهج البلاغه در نكوهش دنیا و دنیاگرایی و تذکر در جهت بیداری انسان است که پسندیده است در برنامه های صدا و سیما به آن توجه شود.

۴. یکی از عوامل موفقیت در امر تعلیم و تربیت روحی و اخلاقی، ایجاد انگیزه از طریق ایجاد افق فکری بالا است.

باید توجه داشت که عصمت به خاطر افق فکری بالا در شناخت واقعیت های هستی است و تحمل مشقت ها در اعمال و عبادت ها به دلیل شناخت هدف ها است. از این رو، در تمام برنامه های صدا و سیما باید راه های ایجاد انگیزه و بالا بردن سطح آگاهی های انسان شناسی و هستی شناسی و ارتباط عبادت با پیشرفت روحی و اخلاقی، از متون دینی استخراج و با شیوه ائمه دین علیهم السلام به مردم القا شود.

۸. صدا و سیما و پیشبرد فرهنگ نماز

مقام معظم رهبری می فرماید:

در صدا و سیما نماز همچون موضوعی که باید به همه آموخت، تلقی گردد و در برنامه ای جداگانه یا در دل برنامه های گوناگون، از آن سخن رود و اعماق و رازها و درس های آن برای همه مردم بیان گردد.

صدا و سیما نه تنها یک دانشگاه عمومی و تأثیرگذار است، بلکه یک آینه عیب نمای جامعه هم می تواند باشد. از این رو، صدا و سیما می تواند در موارد زیر بر استحکام جایگاه نماز در جامعه، نقش آفرینی کند:

۱. آموزش عمومی و بالا بردن سطح آگاهی جامعه؛ از طریق بیان اهمیت نماز با استناد به آیات و روایات، توجه دادن مردم نمازگزار به مراتب و مقامات اهل نماز در جهت تشویق آنان به تلاش و تکراری نشدن امر نماز و عبادت، بیان شرح حال بزرگان و درجات آنان، بیان قصه ها و داستان های مربوط به نماز، آموزش و اصلاح فرهنگ نمازگزاران از راه بیان اخلاق و اعمال خاص آنان که در قرآن و حدیث آمده است؛ همچنین چگونگی استفاده از آب به هنگام وضو گرفتن و خلاصه توجه دادن اهل نماز به انتظار مردم از آنان و...

۲. آموزش ویژه خانواده ها؛ با توجه به نقش اساسی والدین در تربیت فکری کودک، می توانبا برنامه های متنوع و جذاب خانوادگی اهمیت تأثیر و نقش نماز در سلامت روحی فرد را القا کرد.

۳. اصلاح افکار عمومی (اعم از مذهبی ها و غیر آنان) در مورد با نماز؛ از جمله اصلاح تصورهای غلط و عامیانه در نزد مردم که بیشتر پیشرفت های علمی و تکنولوژی را مدیون افراد غیر مذهبی می دانند، یا نماز را بیشتر یک عبادت شخصی تصدیق می کنند.

۴. تبلیغ نماز به روش های جدید و با استفاده از نظر مردم.

۵. بازگو کردن مشکلات نمازگزاران و نمازگزاری از طریق تهیه گزارش (در قسمت های بعد راه های تهیه گزارش بیان می شود).

با توجه به آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که نماز به دلیل ویژگی های خاص خود، برترین و بهترین عبادت نزد خداوند به شمار می رود. برخی از ویژگی های نماز که به آن اشاره شد، عبارتند از: جامع بودن در میان عبادت ها، تعطیل نشدن در هیچ حال و شرایطی، وجوب آن در تمام ادیان الهی و سفارش و اهتمام انبیای الهی به آن، ذکر خاص و متعیّن پروردگار، تکرار یومیه، وجه دین و نشانه اسلام، وسیله قرب الهی و معراج مؤمن، نور چشم پیامبر، معیار قبولی و ردّ اعمال، تبعیت عمل انسان از نماز او، سفارش تمام انبیا و امامان شیعه علیهم السلام، عمومیت آن در میان تمام خلائق و بازدارندگی از فحشا و منکر.

تمام موجودات، دارای عبادت و نماز خاص خود هستند و هر چه در آسمان ها و زمین است خدا را تسبیح می گوید و تسبیح آنان از نوع ذکری نطقی شعوری است.

تشریح نماز بر اساس حکمت و اسرار و حقایق هستی است و هر حرکت، ذکر و افعال نماز، دربردارنده و بیان کننده راز خاص خود است که بنده با نماز آگاهانه و دقیق راه عبودیت و قرب الهی را می پیماید و در صورت بی توجهی به آن، نماز صوری و ظاهری است و انسانیت انسان به تبع آن صوری خواهد بود؛ زیرا انسان بودن واقعی انسان، در گرو نماز واقعی و حقیقی است.

نماز با این ویژگی ها، آثار و فواید بی شماری برای دین و دنیا و آخرت فرد و نیز جامعه به همراه دارد و ترک آن نیز پی آمدهای بدی خواهد داشت.

گرایش به عبادت بر اساس فطرت الهی بشر است و ترک و روگردانی از آن ناشی از علل ظاهری (محیط و اجتماع و...) (و معنوی) گناه و... است.

ریشه اصلی ترک نماز، جهل و ناآگاهی به مقام پروردگار و نیاز به عبادت و همچنین تأثیر عبادت در شکوفایی روحی و ناآگاهی از فلسفه نماز و عبادت است.

نماز با همه اهمیت، همانند قرآن و نهج البلاغه و دعاهاى ائمه عليهم السلام هنوز در مهجوریت است و متأسفانه جامعه ما هنوز به جایگاه مناسب و شایسته یک جامعه شیعه نسبت به نماز نرسیده است و نسل نوین ما گرایش کمتری به آن دارند و این خطری بسیار بزرگ است. از این رو، مسئولان و دردمندان دین، در درجه اول به شناخت و درک عمیق نماز نیازمندند و در درجه دوم باید همتی بزرگ و تلاشی گسترده برای تبلیغ و تعلیم نماز در جامعه به کار برند و با روش های دینی پسند نسل جدید را به درک و عمل به نماز وادارند. در این راستا، مسئولیت نهادهایی، مانند ارشاد و تبلیغات اسلامی، ستاد اقامه نماز و صدا و سیما سنگین تر و مؤثرتر از بقیه خواهد بود.

صدا و سیما نیز باید با تکمیل برنامه های موجود و استفاده از شیوه های مختلف تأثیرگذاری بر افکار مردم، به عنوان دانشگاه عمومی، افزون بر تبلیغ نماز، شیوه فعالیت خویش را به تناسب گروه های مختلف مردم در گرایش به دین، متنوع نماید و جهت پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات اذهان عمومی اهتمام جدی بورزد؛ زیرا تبلیغ صورت ظاهری و معمولی نماز در شرایط کنونی و برای مقابله با تهاجم فرهنگی چندان مقاوم نخواهد بود، گرچه بی تأثیر نیست. صدا و سیما باید بکوشد نماز را در جامعه عمیق و واقعی کند تا با استفاده از آثار نماز واقعی بتوان تهاجم فرهنگی را مهار کرد و واقعیت های تأثیر نماز در زندگی را برای مردم بیان نمود.

